

## امارات قضایی در قرآن مجید

مهدی چگنی<sup>۱</sup>

### چکیده:

یکی از مهمترین اجزاء در دادرسی، ادله اثبات دعوی می باشند. این ادله با توجه به نظام حقوقی کشورها، مختلف است در برخی از کشورها نظام ادله آزاد و در برخی دیگر نظام ادله قانونی حاکمیت دارد. در نظام ادله آزاد، آنچه مهم است اثبات دعوی است و نوع دلیل اهمیت ندارد، لیکن در نظام ادله قانونی، حتماً باید از دلایلی بهره جست که از نظر قانون معتبر اعلام شده اند. در کشور ما می توان گفت هر دو نظام وجود دارد؛ در برخی دعاوی کیفری، فقط ادله قانونی، توان اثبات دارند و در برخی دیگر، ادله آزاد نیز می توانند مورد استناد قرار گیرند، لیکن در امور حقوقی بیشتر ادله قانونی حاکمیت دارد. با توجه به جامعیت دین مبین اسلام، تمامی ادله ای که می توانند مثبت دعاوی، اعم از حقوقی و کیفری، باشند احصاء شده و به فراخور اوضاع و احوال یا نوع دعوی این ادله متغیر می باشند. یکی از این ادله اثبات، امارات می باشند که خود بر دو نوع امارت قانونی و امارات قضایی، منقسم می شود. در این مقاله تلاش شده است مصادیقی از امارات قضایی ذکر شده در قرآن کریم که به عنوان ادله اثبات به آن ها توجه شده است مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در نهایت قابلیت استناد این امارات در صدور احکام قضایی بحث شده است.

واژگان کلیدی: اماره، دلیل، اثبات دعوی، قرآن

### ۱- مقدمه

از آنجا که ارتباط بسیار تنگاتنگی بین حقوق و فقه وجود دارد، مباحث ادله اثبات دعوی نیز به تبع در بسیاری از احکام فقهی پیروی نموده است. احکام مربوط به اثبات هر دعوی چه از نظر ماهوی و چه از نظر شکلی کاملاً مشخص می باشد. از آنجا که دعوی یک واژه عام بوده و اعم از امور کیفری و حقوقی است لذا در این مقاله هر جا که از این لفظ استفاده می کنیم منظور مطلق دعوی است مگر اینکه قرینه ای دال بر کیفری یا حقوقی بودن آن را ذکر نماییم.

<sup>۱</sup> دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، استادیار گروه حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی: chegeni\_isu@yahoo.com

احکام فقهی منبعث از منابع فقه که عبارتند از کتاب، سنت، عقل و اجماع، می باشند. در فقه برای اثبات برخی از دعاوی، علی الخصوص دعاوی کیفری، به فراخور نوع جرم، ادله اثبات خاص خود را داشته که کیفیت و کمیت آن کاملاً مشخص شده است بنابراین می توان ادعا نمود که ادله اثبات کیفری چه از نظر ماهوی و چه از نظر شکلی اموری دقیق و مدوّن هستند.

با بررسی ادله اثبات دعاوی در امور حقوقی به معنای اعم خود شاید بتوان اینگونه اظهار نظر کرد که؛ ادله اثبات کیفری بیشتر جنبه قانونی داشته و در موارد استثنایی از ادله آزاد می توان جهت اثبات برخی از امور بهره جست، لیکن در ادله اثبات دعاوی حقوقی، علیرغم مشخص بودن این ادله که در جرگه ادله قانونی گنجانده می شوند، لیکن در عمل آنچه که مهم است در این نوع دعاوی، اقناع وجدان قاضی، جهت صدور رای می باشد. به عبارت دیگر ادله اثبات کیفری خود، به نوعی موضوعیت داشته، البته در برخی از امور کیفری مانند جرائم حدود، لیکن ادله اثبات در امور حقوقی بیش از آن که موضوعیت داشته باشند طریقت دارند. البته در برخی موارد مثل اقرار در امور مدنی، قاطع دعوی بوده و برای اثبات دعوی موضوعیت دارد. لیکن در امور کیفری اقرار موضوعیت نداشته و در صورت علم به خلاف آن، قاضی ملزم به پذیرفتن آن اقرار نمی باشد، لذا اقرار در برخی از امور کیفری مانند قتل، طریقت داشته، نه موضوعیت یعنی صرف اقرار شخصی به قتل شخص دیگر موجب صدور حکم قصاص یا انتساب قتل به مقرر نمی گردد بلکه این اقرار در صورتی معتبر است که مطابق واقع باشد و احراز این تطابق از وظایف قاضی است، در حالی که در امور حقوقی به صرف وجود اقرار، به مؤدای قاعده « اقرار العقلای علی انفسهم جائز » عمل نموده و مقرر را حسب اقرارش محکوم می نمایند.

در ادامه مقاله ابتدا به بررسی مفهوم ادله و امارات و قضاوت، سپس انواع آنها و ذکر نمونه هایی از امارات قضایی که در قرآن بکار رفته اند می پردازیم.

## ۲- مفهوم شناسی

در این بخش مفاهیم مرتبط با موضوع و مطرح در مقاله به شرح ذیل مورد بررسی و تبیین قرار خواند گرفت.

### ۲-۱- دلیل

برای اثبات امور حقوقی و کیفری نیازمند دلیل هستیم به همین علت بخشی از قوانین ماهوی، اعم از حقوقی و کیفری و قوانین شکلی که شامل آیین دادرسی کیفری و مدنی می باشند به بحث ادله اثبات دعوی اختصاص یافته اند. پس از بررسی معنی دلیل و انواع آن به طور ویژه به بحث امارات می پردازیم.

## ۲-۱-۱- معنی لغوی

دلیل در لغت به معنی راهنما، راه بر و مرشد بکار رفته که جمع آن ادله و ادلاء می باشد. (دهخدا، ج ۵، ۸۵) همچنین به معنی اقامه برهان و اثبات کردن نیز آمده است (فواد افرام، ۳۹۷) در برخی از منابع دلیل را چیزی می دانند که کاشف از واقع است، البته این تعریف دلیل، معنای اخصّ دلیل است که در برابر اماره و اصل استعمال می گردد. (معین، ۳، ۱۵۵۹).

در قرآن نیز کلمه «دلیل» در آمده است: «ألم ترالی ربک کیف مدّ الظل ولو شاء لجعله ساکناً ثمّ جعلنا الشمس علیه دلیلاً» ترجمه: «آیا ندیدی پروردگارت چگونه سایه را گستراند؟ و اگر می خواست هر آینه آنرا ساکن قرار می داد سپس آفتاب را بر آن دلیل قرار داد.» (فرقان، ۴۵) همچنین از همین ریشه وبه معنای راهنمائی آمده است آنجا که به نقل از شیطان خطاب به حضرت آدم می فرماید: «قال یا آدم هل ادلک علی شجرة الخلد... یعنی «ای آدم آیا راهنمائی کنم تو را به درخت جاودانی؟» (طه، ۱۲۰)

## ۲-۱-۲- معنی اصطلاحی

معنی اصطلاحی دلیل به معنی لغوی آن بسیار نزدیک است و در گستره موسع و مضیق بکار می رود. معنی موسع دلیل، نمایندن حقیقت و واقع یک رفتار بوده و معنی مضیق آن روشی است که برای اثبات آن رفتار (اعم از واقعه یا عمل حقوقی) بکار می رود.

## ۲-۱-۳- تعریف قانونی

تعریف قانونی از دلیل در ماده ۱۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی ذکر شده که عبارت است از: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات یا دفاع از دعوی به آن استناد می کنند» به نظر می رسد واژه «اصحاب دعوی» موجب دشواری پذیرفتن این تعریف همچنین خروج آن از جامعیت و مانعیت است، زیرا تعریف بر اساس اصول منطقی باید جامع تمامی مصادیق و مانع ورود اغیار گردد، در حالی که این واژه موجب خروج مصادیقی از ادله که توسط قاضی و نه اصحاب دعوی جهت اثبات دعوی ارائه و یا مورد استناد واقع می شوند، شده است. در کتب فقهی به تبعیت از منابع روایی، دلیل در معنای مضیق خود (بینه و قسم) بکار می رود.

## ۲-۲- انواع دلیل

در خصوص تقسیم بندی دلیل میانی مختلفی وجود داشته، برخی دلیل را به سنتی و مدرن، یا دلایل کامل و ناقص، مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می نمایند.

## ۲-۲-۱- دلیل قانونی

دلیل قانونی به دلیلی گفته می شود دلالت آن بر امری به موجب قانون تصریح شده است که شامل اقرار، بینه، سوگند و امارات قانونی می باشند. ارزش دلایل در این نوع از ادله توسط قانونگذار معین شده و قاضی در تعیین میزان دلالت این ادله نقش و اختیاری ندارد یعنی با وجود این ادله، حصول علم یا عدم آن برای قاضی معیار صدور حکم نمی باشد. در این چارچوب ادله قانونی، قاضی برای صدور حکم ملزم به استناد به این ادله می باشد، در صورتی که این دلایل وجود نداشته باشند ولی قرائن محکمی بر ارتکاب جرم موجود باشد قاضی نمی تواند خلاف اراده قانونگذار عمل نموده و اقدام به صدور حکم محکومیت نماید. یکی از دلایل رواج شکنجه در مراحل تحقیقات مقدماتی برای اخذ اقرار از متهمین، وجود ضروری و الزام آور این ادله جهت محکومیت متهم است. (دیانی، ۱۳۹۴، ۴۹)

## ۲-۲-۲- دلیل آزاد

دلیلی است که دلالت آن به نظر قاضی وابسته است و برای قاضی مفید علم می باشد و به طور خلاصه شامل کلیه امارات قضایی می شود. در این ادله برخلاف ادله قانونی که از نظر قدرت اثباتی دارای اولویت بودند و اقرار قوی ترین آنها می باشد، در ادله آزاد ارزش و قدرت اثباتی هر دلیلی به نظر قاضی بستگی داشته و هر قرینه یا اماره ای که برای قاضی موجب حصول علم یا اقناع وجدان او باشد، برای اثبات امر کفایت می کند. در نظام ادله آزاد دیگر متهمینی که هیچ دلیل قانونی علیه آن ها وجود نداشت نمی توانند، با وجود سایر ادله، از چنگ مجازات فرار نمایند.

برای همین است که در نظام حقوقی اسلام و تبع آن نظام حقوقی ایران، بحث علم قاضی به عنوان یکی از طرق اثبات دعوی مطرح می باشد تا در مواردی که قاضی نسبت به موضوعی علم پیدا می کند حتی اگر سایر ادله قانونی در دسترس نباشند قاضی بتواند به استناد علم خود اقدام به صدور حکم نماید.

## ۲-۳- قضاوت

قضاوت به معانی مختلفی از جمله حکم کردن بین مردم (عاملی، ۱۳۸۴، ۲، ۴۸۵) و حکم کردن بین مردم برای مرتفع نمودن اختلافات آنها (لنکرانی، ۱۳۹۰، ۷) و ارجاع کل به معانی واحد (انصاری، ۲۲، ۲۵) همچنین به معنی پایان دادن به موضوعی از طریق گفتاری یا عملی (هندی، ۱۰، ۵) آمده است.

## ۳- اماره (presumption)

یکی از ادله اثبات دعاوی کیفری و حقوقی اماره می باشد که ذیلاً معانی لغوی و اصطلاحی، انواع آن و تعارض آن با اصل و یا دلیل دیگر را بررسی می کنیم.

### ۳-۱- معنی اماره

إِمَارَة (إِمَارَت) در لغت به معنی فرمانروایی و امیر شدن و حکمرانی آمده (معین، ۱۳۶۲، ص ۲۴۱) و اماره به معنی علامت و نشان ذکر شده است. در اصطلاح، اماره چیزی است که از علم به آن بر وجود مدلول ظن پیدا میشود مانند ابر نسبت بباران که از علم بوجود ابر ظن بوجود باران پیدا میشود، و فرق میان امارت و علامت این است که علامت از شیء جدا نمی شود مانند وجود ابر نسبت بباران. (جرجانی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۱۹۱). امارت نزد اصولیان و متکلمان دلیل ظنی است. و آن گاه مجرد است یعنی وصف طردی است نه مناسب و نه شبیه بدان و گاه باعث مناسب. (التهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۲۰۷)

اماره در واقع یک نوع پیش فرض قانونی و یا قضایی است که بر اساس آن پیش فرض، که امری ثابت است، چیز دیگری را ثابت می کنند.

### ۳-۲- انواع اماره

قانون مدنی در ماده ۱۳۲۱ اماره را اینگونه تعریف می کند: «اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاض دلیل بر امری شناخته می شود.» این اوضاع و احوال گاهی امور اند که خود سبب ایجاد مجهول هستند و گاهی اوقات اموری هستند که با وجود مجهول ملازمه دارند و یا اینکه نتیجه و آثار مجهول هستند. (امامی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۲۵۰)

### ۳-۲-۱- اماره قانونی

اماره قانونی، اماره ای است که به موجب قانون دلیل بر امری دانسته شده است مانند اماره تصرف (ماده ۳۵ قانون مدنی)، اماره تصریف و قرار گرفتن سر تیر بر روی دیوار (اشتراک یا اختصاصی بودن دیوار حد فاصل دو ملک) مذکور در مواد ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون مدنی و اماره فراش در مواد ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ قانون مدنی که فرزند را در زمان ازدواج یا پس از آن با وجود شرایطی ملحق به زوج می داند.

### ۳-۲-۲- اماره قضایی

در مقابل اماره قانونی که برحسب قانون دلیل بر امری محسوب می شود، اماره قضایی به نظر قاضی وابسته بوده و اعتبار آن در صورت فقدان سایر ادله، مطابق اوضاع و احوال و شرایط و میزان انطباق آن با ویژگی های موضوع و درجه کاشفیت آن از واقع به عهده قاضی می باشد. تفاوت دیگر این دو اماره این است که اماره قانونی موجب پیدایش ظن نوعی شده و عمل به آن برای قاضی امری الزامی است لیکن امارات قضایی برای قاضی باید به اندازه ای قوی باشند که موجب پیدایش قطع شوند. تحقیقات محلی، معاینه محلی، ارجاع موضوع به کارشناس یا پزشک قانونی و نظرات آنها نمونه هایی از امارات قضایی می تواند باشند که اعتبار آن ها نیز به نظر قاضی بستگی دارد. به همین دلیل ماده ۱۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اعلام می دارد که نظر کارشناس باید با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت داشته باشد، در غیر اینصورت باز پرس نظر کارشناس را مستدلاً رد کرده و موضوع را به کارشناس دیگری ارجاع می دهد. در هر صورت هرگاه اماره قضایی و اماره قانونی بر خلاف یکدیگر باشند، اماره قضایی چون موجب قطع است و اماره قانونی مبتنی بر ظن نوعی لذا اماره قضایی مقدم بر اماره قانونی می باشد و بر آن غلبه می کند. (امامی، همان، ص ۲۶۸)

#### ۴- امارات قضایی در قرآن

با توجه به اینکه قرآن کریم یکی از منابع استنباط احکام می باشد توجه به استناد به امارات قضایی مطرح شده در آن در بسیاری از امور حقوقی و کیفری می تواند راهگشا باشد. در قرآن کریم به امارات متعددی اشاره شده است که در مقام قضاوت و یا بررسی یک موضوع یا واقعه مورد استناد قرار گرفته اند و اگر آن ها را نوعی اماره قضایی محسوب کنیم سخن گزافی نگفته ایم، به تعدادی از این امارات به شرح ذیل اشاره می کنیم.

با توجه به آیه شریفه ۷ سوره یوسف: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّائِلِينَ» به راستی در [سرگذشت] یوسف و برادرانش برای پرسندگان عبرتهاست. در همین سوره مبارکه چند نمونه از امارات قضایی ذکر شده که مورد بررسی قرار می گیرند.

#### ۴-۱ پیراهن خونی حضرت یوسف علیه السلام

«وَجَأَوْوَا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ» و پیراهنش را [آغشته] به خونی دروغین آوردند. برادران یوسف بعد از ادعای خورده شدن یوسف توسط گرگ پیراهن خونی یوسف را نشان پدر دادند تا او حرف آن ها را قبول کند. در حالی که پیراهن سالم بود و این با ادعای برادران یوسف و دریده شدن توسط گرگ که با پاره شدن لباس ملازمه داشت مخالف بود و کذب ادعای برادران یوسف را تایید می کند.

همچنین باتوجه به اوضاع و احوالی که میان یوسف و برادرانش حاکم بود و وی محسود آن ها بود همچنین با اصرار و فریب یوسف را از پدرش جداکردند و یعقوب علیه السلام از این موارد آگاه بود به همین علت بود که پدرش با مشاهده پیراهن سالم یوسف علیه السلام، ادعای آن ها را نپذیرفت. (طبا طبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۴۰)

#### ۴-۲ پارگی پیراهن یوسف در ماجرای زلیخا

یکی دیگر از امارات قضایی قرآن کریم که در قضاوت موضوع مورد اختلاف مورد توجه قرار گرفته است تشخیص مقصر از روی نحوه و جایگاه پارگی لباس حضرت یوسف علیه السلام در جریان در خواست نامشروع زولیکھا است که در آیه ۲۵ به بعد سوره یوسف به آن اشاره شده است. «وَ اسْتَبَقَا الْاَبَابَ وَ قَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَ اَلْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْاَبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ اَرَادَ بِاَهْلِكَ سُوءًا اِلَّا اَنْ يُسَجَّنَ اَوْ عَذَابٌ اَلِيمٌ» و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در آقای آن زن را یافتند آن گفت کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود. و در آیات بعد به این اماره استناد می کنند که اگر لباس یوسف از پشت پاره شده پس در حال فرار از دست و قصد سوء زولیکھا بوده و یوسف راست می گوید که گناهکار نیست ولی اگر لباس یوسف از جلو پاره شده باشد پس معلوم می شود یوسف دروغ گفته است و قصد سوئی نسبت به زولیکھا داشته و زولیکھا در مقام دفاع با او درگیر شده و لباس یوسف از جلو پاره شده است. آیه ۲۶ و ۲۷ سوره یوسف این گونه ماجرا را بیان می کنند: « قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ اَهْلِهَا اِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ \* \* \* وَ اِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ » [یوسف] گفت او از من کام خواست و شاهدهی از خانواده آن زن شهادت داد اگر پیراهن او از جلو چاک خورده زن راست گفته و او از دروغگویان است. و اگر پیراهن او از پشت دریده شده زن دروغ گفته و او از راستگویان است. هرچند با اینکه واقعیت برای عزیز مصر آشکار شد لیکن در نهایت حضرت یوسف علیه السلام به زندان افتاد لیکن به تصریح خود قرآن در آیه ۲۸ سوره یوسف این اماره قضایی موجب کشف واقعیت برای عزیز مصر شد و متوجه شد که همسرش خطاکار بوده و یوسف علیه السلام بی گناه است؛ « فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ اِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ اِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ » پس چون [شوهرش] دید پیراهن او از پشت چاک خورده است گفت بی شک این از نیرنگ شما [زنان] است که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است. (طباطبایی، همان، ص ۱۹۳)

#### ۴-۳ وجود جام ملک در کیسه های گندم

یک دیگر از امارات قضایی، جهت اثبات اتهام در قرآن کریم قراردادن جامی است که پادشاه از آن آب می خورد، در بار گندم برادر حضرت یوسف علیه السلام (بنیامین) برای نگه داشتن او نزد یوسف علیه السلام است. هرچند این کار برای اثبات اتهام غیر واقعی بود لیکن دلالت وجود جام در بار گندم بنیامین امری بود که این دلالت توسط هیچ کس قابل انکار نبود برای همین است که برادران یوسف تلاش کردند برادر خود را رها کنند لیکن نه از طریق توسل به انکار این دلالت بلکه با خواهش و تمنا و موارد دیگر. در آیه ۷۰ سوره یوسف آمده است: « فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّفَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَيْتَهَا الْعِيرُ إِيَّاكُمْ لَسَارِقُونَ » پس هنگامی که آنان را به خوار و بارشان مجهز کرد آبخوری را در بار برادرش نهاد سپس آبه دستور او [ نداکننده ای بانگ درداد ای کاروانیان قطعاً شما دزد هستید. ( طباطبایی، همان، ص ۳۰۵)

## ۵- سایر امارات موجود در قرآن کریم

امارت متعدد دیگری در قرآن کریم وجود دارد که برخی در مباحث قضایی و برخی دیگر در امور غیر قضایی مورد استناد قرار می گیرند که فقط در اینجا به آن ها اشاره ای می کنیم زیرا شرح و بسط آن ها خارج از حوصله این نوشتار است. به عنوان مثال بیان علامات زمان فجر صادق و اوقات نمازها «... وَكُلُّوا وَأَشْرَبُوا حَتَّىٰ يُتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...» سوره بقره آیه ۱۸۷ و یا در سوره اسرا آیه ۷۸ که به زمان اقامه نماز ظهر و مغرب و صبح اشاره می کند. همچنین نشانه های رشد ایتم و اثبات رشد در اثر امارات آن که باعث برطرف شدن موانع پرداخت اموال آنها به خود آنها است که در آیه ۶ سوره نسا « وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ » مورد اشاره قرار گرفته است.

## ۶- نتیجه گیری

در کنار اقرار، سوگند و شهادت که دلایل اصلی اثبات دعوی می باشند، امارات نیز بخش زیادی از ادله اثبات را در دعاوی حقوقی و کیفری تشکیل می دهند، این امارات که خود به قضایی و قانونی تقسیم می شوند یا به موجب حکم قانون دلیل بر امری دانسته شده اند و یا به تشخیص قاضی دلیل بر امری می تواند باشد. قرآن کریم به عنوان یکی از منابع اصلی استنباط احکام، که در بسیاری از موارد مستقیماً حکم موضوعات مختلف را بیان کرده است در برخی موارد که بیشتر در جریان بیان زندگی انبیاء سلف می باشد نکاتی را بیان کرده است که دقت در آن ها در بسیاری از موارد راهگشا بوده، امارات قضایی موجود در آیات مختلف که مورد استناد صدور حکم یا قضاوت قرار گرفته اند خود بحث مفصلی است که تاکنون به آن به صورت مستقل توجه نشده است با تدبر و دقت در قرآن کریم، این منبع جوشان احکام و برکات الهی، به



چگونگی برخورد و استنباط از این امارات آشنا شده و می توان در بسیاری از موارد در امور قضایی بویژه امور کیفری به این گونه امارات استناد نمود.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

اصفهانى، بها الدين محمد، (هندي، فاضل)، *كشف اللثام عن قواعد الأحكام*، قم، مؤسسه النشر السلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۳۸۹.

امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱.

انصاری، مرتضی، *مکاسب محرمة*، قم، دارالفکر، ۱۳۹۳.

بستانی، فواد افرام، *فرهنگ ابجدی عربی - فارسی: ترجمه المنجد الابدی*، مترجم رضا مهیار، تهران، اسلامی، ۱۳۷۰.

تهانوی، محمدعلی، *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶.

جرجانی، سید اسماعیل، *ذخیره خوارزمشاهی*، اسماعیل، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.

دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، چاپ سیروس، ۱۳۴۱.

دیانی، عبدالرسول، *ادله اثبات دعوی*، تهران، میزان، ۱۳۹۴.

طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.

عاملی، محمد بن الحسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴.

فاضل لنکرانی، محمد، *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله*، قم، مرکز فقه ائمه اطهار علیه السلام، ۱۳۸۱.

قانون مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری.

معین، محمد، *فرهنگ معین*، چاپ ششم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.